



دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

«فقه ۳»

رشته تفسیر و علوم قرآن

کتاب اللقطه

درس ۱

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای مصطفی عسگری

## مقدمه

از جمله ضروری ترین و ابتدائی ترین مباحث هر علم، تعریف صحیح و جامع از موضوع آن است، ارائه تعریف از موضوع و شناسایی و تمایز آن از سایر موضوعات، باعث تفکیک مباحث متعدد از یکدیگر شده و حدود و قلمرو آن با سایر مباحث را آشکار می کند. از این رو قبل از طرح هر بحث، ارائه تصویری جامع و کامل از موضوع ضروری و اجتناب ناپذیر است. بر همین اساس در ابتدای این درس تعریفی از لقطه ارائه می شود و مقومات تعریف آن بررسی می گردد، سپس پاره‌ای از احکام لقطه بالهعنی الاخص بیان می گردد.

## متن درس

### كتاب اللقطة

#### ١- اللقطة و اقسامها

اللقطة كل مال ضائع اذا اخذ و كان مالكة مجهولا.

و المستند في اعتبار القيود الثلاثة هو:

اما بالنسبة الى القيد الاول فلتقوم عنوان اللقطة بالضياح، فمن تبدل حذاؤه مثلا بحذاء الغير من دون معرفة صاحبه فلا يصدق على ذلك عنوان اللقطة و ان صدق عنوان مجهول المالك.

و منه يتضح ان النسبة بين عنوان اللقطة و عنوان مجهول المالك هو العموم و الخصوص المطلق، فكل لقطة هي مجهول المالك من دون عكس.

و يأتي فيما بعد - إن شاء الله تعالى - الفرق بين العنوانين من حيث الحكم.

و اما بالنسبة الى القيد الثاني فلانه بمجرد رؤية الشيء من دون أخذه لا يصدق عنوان اللقطة . و هكذا لو فرض امر شخص غيره بالاخذ فانه لا يصدق العنوان المذكور بالنسبة اليه ما دام لم يتصد بنفسه للأخذ.

و اما القيد الثالث فاعتباره واضح.

ثم ان المال الضائع تارة يكون طفلا و اخرى حيوانا و ثالثة غير ذلك . و يصطلح على الاول باللقيط، و على الثاني بالضالة، و على الثالث باللقطه أو باللقطة بالمعنى الاخص. و لكل واحد من الاقسام الثلاثة احكامه الخاصة به. و المهم منها هو الثالث.

#### ٢- من احكام اللقطة بالمعنى الاخص

يجوز اخذ اللقطة - و ان كان ذلك مكروها - بما في ذلك لقطة حرم مكة زادها الله شرفا . و يلزم فيها تعريفها و الفحص عن مالكة لمدة سنة فان لم يعثر عليه كان الملتقط بالخيار بين تملكها مع الضمان او التصديق بها مع الضمان او ابقائها امانة في يده بلا ضمان. هذا اذا لم تكن دون الدرهم الشرعي و إلاّ جاز اخذها بلا تعريف . كما ان هذا يختص بغير لقطة حرم مكة زادها الله شرفا، و اما هي فحكمها بعد التعريف سنة التصديق بها لا غير . و المعروف ان التصديق لا بدّ ان يكون بقصد كونه عن صاحبها.

## توضیح

در کتاب لقطه عناوین اصلی زیر را مورد بررسی قرار خواهیم داد:

لقطه و اقسام آن

احکام لقطه به معنای اخص

احکام لقیط

احکام ضالّه

احکام مجهول المالک

## تعریف لقطه

لقطه به «ضم لام»، مالی است که توسط شخصی پیدا شده و مالک آن مجهول باشد. بنابراین معنی نمودن لقطه به گمشده (مگر مجازاً) درست نیست؛ زیرا کسی نسبت به گمشده (ضالّه) تکلیفی ندارد و تکلیف و احکام لقطه زمانی است که شخصی مال گمشده را پیدا کرده و بردارد.

مصنف در تعریف لقطه سه قید می‌آورد که هر سه در تعریف لقطه مؤثر است؛

**قید مؤثر اول** این است که مال، ضالّه یعنی گمشده باشد. اگر مالی گم نشده باشد به آن ضالّه نمی‌گویند. مثلاً اگر شخصی به اشتباه کفش دیگری را پوشیده باشد و کفشش را اشتبهاً به جای کفش دیگری گذاشته باشد کفش جا گذاشته شده لقطه نیست بلکه مال مجهول المالک است؛ پس نسبت بین لقطه و مال مجهول المالک، عموم و خصوص مطلق است. یعنی هر لقطه‌ای مجهول المالک است اما هر مجهول المالکی لقطه نیست.

**قید مؤثر دوم** در تعریف و تقویم لقطه «اذا اخذ» یعنی برداشتن از روی زمین و قبض آن است بنابراین اگر مالی در جایی افتاده باشد به آن ضالّه یا گمشده می‌گویند و چنانچه مال ضالّه توسط شخصی برداشته شود به آن لقطه اطلاق می‌شود.

از عبارت «اذا اخذ» استفاده می‌شود که اگر کسی شخص دیگری را امر به برداشتن گمشده کند به او ملتقط گفته نمی‌شود و ملتقط کسی است که خود مستقیماً مال را بردارد.

**قید مؤثر سوم** «مجهول بودن مالک گمشده» است بنابراین اگر مالک معلوم باشد لقطه بر آن صدق نمی‌کند. مثلاً اگر معلوم باشد که مالک کتابی که در کوچه افتاده زید است، دیگر بر آن کتاب لقطه صدق نمی‌کند.<sup>۱</sup>

## انواع گمشده

گمشده به سه قسم تقسیم می‌شود:

الف) اگر گمشده طفل باشد در اصطلاح به آن «لقیط» می‌گویند.

---

<sup>۱</sup>. بیشتر بدانید: ماده ۱۶۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هر کسی در بیابان یا خرابه‌ای که خالی از سکنه بوده و مالک خاصی ندارد مالی پیدا کند می‌تواند آن را تملک کند و محتاج به تعریف نیست مگر اینکه معلوم باشد که مال عهد زمان حاضر است در این صورت در حکم سایر اشیاء پیدا شده در آبادی خواهد بود».

ب) اگر گمشده حیوان باشد در اصطلاح به آن «ضالّه» می‌گویند.

ج) اگر گمشده مال باشد در اصطلاح به آن «لقطه به معنای اخص» می‌گویند.

لقطه به معنای عام بر انسان، حیوان و مال اطلاق می‌شود. اما لقطه به معنای اخص همان مال گمشده است که هر کدام احکام خاصی دارد.

## تطبیق

### کتاب اللقطه

#### ۱- اللقطه و اقسامها

اللقطة<sup>۱</sup> كل مال ضائع اذا اخذ و كان مالكة مجهولا.

#### ۱- لقطه و اقسام آن

لقطه هر مال گمشده‌ای است که شخصی آن را پیدا کند و صاحبش را نشناسد.

و المستند في اعتبار القيود الثلاثة هو:

دلیل اعتبار سه قید یاد شده در تعریف لقطه عبارت است از:

ام بالنسبة الى القيد الاول فلتقوم عنوان اللقطه بالضياح، فمن تبدل حذاؤه مثلا بحذاء الغير من دون معرفة صاحبه فلا

يصدق على ذلك عنوان اللقطه و ان صدق عنوان مجهول المالك.

قید اول؛ قوام لقطه به گم شدن است، بنابراین کسی که کفش خود را با کفش دیگری جابجا بپوشد با آن که صاحب آن کفش را نمی‌شناسد، بر آن کفش عنوان لقطه صدق نمی‌کند؛ (زیرا چیزی گم نشده است)؛ اگرچه عنوان مجهول المالك بر آن صادق است.

و منه يتضح ان النسبة بين عنوان اللقطه و عنوان مجهول المالك هو العموم و الخصوص المطلق، فكل لقطه هي مجهول المالك من دون عكس. و يأتي فيما بعد - إن شاء الله تعالى - الفرق بين العنوانين من حيث الحكم.

از عبارت فوق معلوم شد که نسبت بین لقطه و مجهول المالك، عموم و خصوص مطلق است یعنی هر لقطه ای مجهول المالك می‌باشد ولی هر مجهول المالكی لقطه نیست، فرق این دو از نظر حکم شرعی در مباحث بعدی خواهد آمد ان شاء الله تعالى.

و اما بالنسبة الى القيد الثاني فلانه بمجرد رؤية الشيء من دون أخذه لا يصدق عنوان اللقطه . و هكذا لو فرض امر شخص غيره بالاخذ فانه لا يصدق العنوان المذكور بالنسبة اليه ما دام لم يتصد بنفسه للأخذ.

قید دوم؛ به مجرد دیدن شی‌ی گم شده بدون این که آن را بردارد عنوان لقطه صدق نمی‌کند و همین طور اگر به دیگری دستور بدهد آن را بردار، مادامی که خودش برداشتن را به عهده نگیرد نسبت به او عنوان ملتقط صدق ندارد.

و اما القيد الثالث فاعتباره واضح.

<sup>۱</sup> . بضم اللام و فتح القاف او تسکینها.

قید سوم؛ اعتبارش در تعریف روشن است (زیرا اگر مالکش معلوم باشد نمی‌گویند: گم شده).

ثم ان المال الضائع تارة يكون طفلا و اخرى حيوانا و ثالثة غير ذلك.

مالی که گم شده از سه حال خارج نیست یا طفل است یا حیوان یا غیر این دو.

و یصطلح علی الاول باللقیظ، و علی الثانی بالضالّة، و علی الثالث باللقطة أو باللقطة بالمعنی الاخص. و لكل واحد من

الاقسام الثلاثة احكامه الخاصة به. و المهم منها هو الثالث.

بر طفل گم شده عنوان «لقیظ» و بر حیوان گم شده عنوان «ضالّه» و به سومی «لقطه» یا لقطه به معنای اخص گفته

می‌شود، هر کدام از این سه، احکام مخصوص به خود دارد و مهم از آنها قسم سوم است.

تعریف لقطه ← هر مال گمشده‌ای که شخصی آن را اخذ کند و صاحبش را نشناسد.

لقطه ← مقومات تعریف لقطه  
۱. گم شدن  
۲. اخذ  
۳. مجهول المالك بودن

انواع گمشده  
۱. طفل ← که به آن لقیظ می‌گویند.  
۲. حیوان ← که به آن ضالّه می‌گویند.  
۳. مال ← که به آن لقطه بالمعنی الاخص می‌گویند.

Sco1: ۱۷: ۴۶

## حکم لقطه بالمعنی الاخص

این بحث درباره احکام اخذ لقطه به معنای اخص است؛ لقطه به معنای اعم که شامل حیوان (ضالّه)<sup>۱</sup> و انسان (لقیظ) می‌شود در جایگاه خود بحث خواهد شد.

سوالی که مطرح است این است که آیا جایز است مالی که در کوچه و خیابان دیده شد، برداشته شود؟ در پاسخ

این سؤال باید قائل به تفصیل شد؛ بدین صورت که مال گمشده یا در حرم دیده شده است یا در غیر حرم.<sup>۲</sup>

برداشتن لقطه غیر حرم جائز می‌باشد؛ چنانچه ارزش لقطه غیر حرم کمتر از یک درهم شرعی بوده و صاحب آن

هم معلوم نباشد، یا بنده، مالک آن می‌شود ولی اگر ارزش لقطه غیر حرم بیشتر از یک درهم شرعی باشد اعلان و

<sup>۱</sup> . بیشتر بدانید: ماده ۱۷۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «حیوان گمشده (ضالّه) عبارت از هر حیوان مملوکی است که بدون متصرف یافت شود ولی اگر حیوان مزبور در چراگاه یا نزدیک آبی یافت شود یا متمکن از دفاع خود در مقابل حیوانات درنده باشد ضالّه محسوب نمی‌گردد.

<sup>۲</sup> . مقصود از حرم شهر مقدس مکه و اطراف آن است که انسان بدون احرام نمی‌تواند وارد آن شود. از خصوصیات حرم، حرام بودن شکار حیوان در آن است بنابراین مقصود حرم ائمه (ع) نیست.

معرفی لقطه و تفحص از صاحب آن تا یک سال واجب است<sup>۱</sup> و بعد از گذشت یک سال اگر صاحب لقطه پیدا نشد یابنده بین سه امر مخیر است:

(الف) مالک لقطه و ضامن آن باشد.

(ب) لقطه را صدقه بدهد و ضامن آن باشد.

(ج) لقطه نزد یابنده به عنوان امانت بماند بدون اینکه ضامن لقطه باشد.

حکم لقطه حرم آن است که بعد از یک سال تعریف از طرف صاحبش صدقه داده شود ، و مالک شدن آن جائز نیست.

## تطبیق

### ۲- من احکام اللقطه بالمعنی الاخص

يجوز اخذ اللقطه - و ان كان ذلك مکروها - بما فی ذلك لقطه حرم مکه زاداها الله شرفا.

### ۲- احکام عمومی لقطه به معنای اخص

برداشتن لقطه جائز است، هر چند مکروه است، با تفصیلی که در لقطه حرم مکه بیان می شود - که خداوند بر شرافت آن مکان بیافزاید

و يلزم فيها تعريفها و الفحص عن مالکها لمدة سنة فان لم يعثر عليه كان الملتقط بالخيار بين تملکها مع الضمان او التصديق بها مع الضمان او ابقائها امانة فی يده بلا ضمان.

لازم است معرفی و اعلان لقطه و جستجو از مالک آن به مدت یک سال، پس اگر بر مالک آن دست نیافت، بردارنده مخیر است بین این که آن را به ملک خود در آورد و ضامن آن باشد یا صدقه بدهد و ضامن آن باشد یا به عنوان امانت برای صاحبش نگه دارد که در این صورت ضامن نیست.

هذا اذا لم تکن دون الدرهم الشرعی<sup>۲</sup> و إلاّ جاز اخذها بلا تعريف.

احکام یاد شده در صورتی است که شیء پیدا شده قیمتش بیش از یک درهم شرعی (یعنی ۲/۷۵ گرم نقره) باشد و الا می تواند بدون تعریف کردن، برای خود بردارد.<sup>۳</sup>

كما ان هذا يختص بغير لقطه حرم مکه زاداها الله شرفا، و اما هی فحکمها بعد التعريف سنة التصديق بها لا غير.

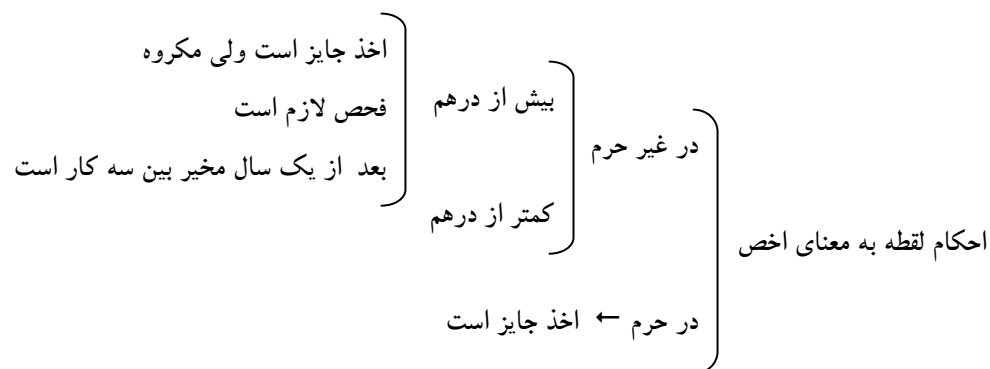
احکام پیش گفته مربوط به لقطه غیر حرم است ولی در لقطه حرم پس از پیدا نشدن صاحبش و تعریف یک سال باید آن را صدقه بدهد و نمی تواند برای خود یا به عنوان امانت نگه دارد.

<sup>۱</sup> . بیشتر بدانید: ماده ۱۶۴ قانون مدنی مقرر می دارد: تعریف اشیاء پیدا شده عبارت است از نشر و اعلان بر حسب مقررات شرعی به نحوی که بتوان گفت که عادتاً به اطلاع اهالی محل رسیده.

<sup>۲</sup> . بیشتر بدانید: المقصود من الدرهم الشرعی هو الفضة التي تعادل قيمتها ثلاثة غرامات الاربع عشر الغرام تقريبا . ایروانی، باقر، دروس التمهيدیه الفقه فی الاستدلالی علی المذهب جعفری، جزء ثالث.

<sup>۳</sup> . بیشتر بدانید: ماده ۱۶۲ قانون مدنی مقرر می دارد: هر کس مالی پیدا کند که قیمت آن کم تر از یک درهم که وزن آن ۱۲/۶ نخود نقره باشد، می- تواند آن را تملک کند (اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴).

و المعروف ان التصدق لا بدّ ان يكون بقصد كونه عن صاحبها.  
فتوای معروف این است که باید از طرف صاحبش صدقه بدهد.



Sco۲:۲۹: ۲۰



## چکیده

۱. هر مال گمشده که شخصی آن را بردارد و صاحب آن را شناسد، لقطه نامیده می‌شود.
۲. سه قید مقوم تعریف لقطه است:  
الف) «گمشدن»، بنابراین مالی که گم نشده باشد لقطه نیست؛ مثلاً کفشی که با کفش دیگری جابجا شده باشد با آنکه صاحب آن معلوم نیست عنوان گمشده بر آن صدق نمی‌کند؛ بلکه مجهول المالک است.  
نسبت بین لقطه و مجهول المالک، عموم و خصوص مطلق است؛ هر لقطه ای مجهول المالک است اما هر مجهول المالکی لقطه نیست.  
ب) «برداشتن مال گمشده»، پس بدون برداشتن، بر مال گمشده عنوان لقطه صدق نمی‌کند.  
ج) «مجهول بودن» مالک مال گمشده.  
۳. گمشده می‌تواند طفل یا حیوان یا مال باشد.  
۴. به طفل گمشده «لقیطه»، به حیوان گمشده «ضاله» و به مال گمشده «لقطه» می‌گویند.  
۵. چنانچه لقطه غیر حرم بیشتر از یک درهم شرعی باشد، اعلان و معرفی لقطه و تفحص از آن تا یک سال واجب است و بعد از یک سال در صورت پیدا نشدن صاحبش یا بده بین سه امر مخیر است:  
الف) مالک لقطه و ضامن آن باشد.  
ب) آن را صدقه بدهد و ضامن آن باشد.  
ج) لقطه را به عنوان امانت بردارد بدون اینکه ضامن آن باشد.  
۶. حکم لقطه حرم آن است که بعد از یک سال تعریف از طرف صاحبش صدقه داده شود و مالک شدن آن جائز نیست.  
۷. لقطه اگر کمتر از یک درهم شرعی ارزش داشته باشد مالکیت آن بدون اعلان جایز است.